

سیاست‌های اقتصادی دولت در پرتو تعهدات حقوق اقتصادی - اجتماعی با تأملی بر سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

ابراهیم عبدی پور فرد*

علیرضا دبیرنیا**

ام لیلا فقیه عبدالهی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

چکیده

در هر نظام سیاسی، اجرای سیاست‌های اقتصادی کارآمد برای بهبود عملکرد دولت ضروری است. از سوی دیگر، انتخاب‌های سیاستی که دولت در اقتصاد انجام می‌دهد، بر میزان بهره‌مندی شهروندان از حقوق خود اثرگذار است و تأثیرات سرریزی هم روی حقوق بشر دارد. باین‌حال، این سیاست‌ها اغلب بدون در نظر گرفتن تأثیراتشان بر حقوق بشر تدوین و اجرا می‌شوند. در این پژوهش، تلاش شده است با جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها در چارچوب اصول اقتصادی حقوق بشر پرداخته شود. پرسش اصلی پژوهش این است که نسبت میان سیاست‌های اقتصادی دولت و تعهدات حقوق اقتصادی - اجتماعی چیست؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد، رابطه میان سیاست‌های اقتصادی دولت و تعهدات حقوق اقتصادی - اجتماعی، رابطه‌ای پیچیده و چند وجهی است؛ از یکسو، سیاست‌های اقتصادی دولت دارای پتانسیل تأثیرگذاری بر تحقق حقوق بشر است. از سوی دیگر، هنجارهای حقوق بشری به‌عنوان چارچوب نظری و اخلاقی می‌توانند اصول حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی را شکل دهند. هدف غایی این پژوهش، بررسی این رابطه و پیشنهاد ادغام ملاحظات حقوق بشری در هسته سیاست‌های اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که توسعه اقتصادی با اصول اخلاقی، الزامات عدالت اجتماعی و احترام به حقوق اساسی افراد همسو شود.

کلید واژگان:

سیاست‌های اقتصادی، دولت، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق بشر.

* استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

e.abdipour@qom.ac.ir

** دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

dr.dabirnia@qom.ac.ir

*** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

omleila.Faghih@stu.qom.ac.ir



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

اقدامی که برای تأثیرگذاری یا تنظیم رفتار اقتصاد طراحی شده است، سیاست اقتصادی شناخته می‌شود. دولت معمولاً سیاست‌های اقتصادی را اجرا و نظارت می‌کند.^۱ این سیاست‌ها را می‌توان به دو نوع اصلی دسته‌بندی کرد: اول، مفهوم اقتصادی سیاست اقتصادی که شامل دستیابی به اهداف اقتصادی از طریق تکنیک‌های سیاسی مانند سیاست مالی (مالیات و مخارج دولت) و سیاست پولی (کنترل عرضه پول و نرخ بهره) است. دوم، مفهوم سیاسی سیاست اقتصادی که شامل دستیابی به اهداف غیراقتصادی و سیاسی از طریق ابزارهای اقتصادی است. به عنوان مثال، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دستیابی به اهداف اجتماعی یا سیاسی مانند تحریم‌های اقتصادی برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی.^۲ در هر دو مفهوم، سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها تأثیر عمیق و چندوجهی بر ساختار اجتماعی-اقتصادی یک کشور دارند. این سیاست‌ها برای دستیابی به اهدافی مانند رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، کنترل تورم و توزیع عادلانه درآمد اتخاذ می‌شوند و می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر حقوق اساسی شهروندان نیز تأثیر بگذارند.

در واقع، سیاست‌های اقتصادی دولت صرفاً تصمیمات و اقداماتی برای تحریک رشد یا مدیریت بهینه منابع نیستند؛ بلکه ارتباط نزدیکی با حقوق بشر دارند. این سیاست‌ها در تخصیص منابع، تنظیم بازار و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری تأثیر زیادی بر تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، مسکن، آموزش و بهداشت دارند. با این حال، تعقیب اهداف اقتصادی ممکن است با اصول حقوق بشر تعارض داشته باشد؛ مثلاً اقدامات ریاضتی برای کاهش کسری بودجه ممکن است به‌طور نامتناسبی بر دهک‌های ضعیف جامعه تأثیر بگذارد. سیاست‌های اقتصادی متمرکز بر کارایی می‌توانند به اولویت دادن شاخص‌های اقتصادی بر اهداف رفاه اجتماعی منجر شوند. تحریم‌های بین‌المللی نیز ممکن است منابع لازم برای رفاه اجتماعی را کاهش دهند؛ اما نابرابری‌های اقتصادی اجتناب‌ناپذیر نیستند؛ دولت‌ها باید توازن بین تقویت رفاه و حفظ حقوق

1. Capote, M. J., Vigonte, F. G., & Abante, M. V. "The Government Economic Policy and Strategies", Available at SSRN 4454559, 2023, p 1.

2. Drucker, P. F. "The Meaning and Function of Economic Policy Today", *The Review of Politics* 5, no 2, 1943, p 216.

اساسی افراد برقرار کنند. بازاندیشی در سیاست‌های اقتصادی نشان می‌دهد که رویکرد حقوق بشری پتانسیل تغییر تفکر و سیاست‌گذاری اقتصادی را به همراه پیامدهای گسترده‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی دارد.

تلاقی سیاست‌های اقتصادی و تعهدات حقوق اقتصادی- اجتماعی دولت در ایران موضوعی برجسته است. ایران، به‌عنوان کشور طرف معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، دارای محیط پیچیده سیاسی- اجتماعی است که با چالش‌های اقتصادی گسترده‌ای مانند سوء مدیریت، فساد، بیکاری، تورم و تحریم‌های بین‌المللی روبروست. سیاست‌های اقتصادی، به‌ویژه تخصیص بودجه و سیاست‌های مالیاتی نقش محوری در تحقق حقوق بشر، به‌خصوص حقوق اقتصادی و اجتماعی، ایفا می‌کنند. بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت بر حقوق و رفاه شهروندان و ارزیابی کارآمدی آنها برای تحقق تعهدات حقوق بشر و حفظ کرامت انسانی در ایران ضروری است.

هنگام بررسی تلاقی سیاست‌های اقتصادی و حقوق بشر، بسیار مهم است که در نظر بگیریم چگونه قوانین بین‌المللی حقوق بشر دولت‌ها را موظف می‌کند که چارچوب‌های اقتصادی خود را برای تحقق حقوق اقتصادی- اجتماعی هماهنگ کنند. این موضوع اغلب شامل بررسی تأثیر متقابل بین سیاست‌های اقتصادی و اجرای تعهدات تحت اسنادی مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که به‌عنوان سند مادر در زمینه حق‌های رفاهی مطرح است. از این‌رو، این پژوهش از میثاق به‌عنوان سند معیار برای بررسی رویه‌های اقتصادی دولت‌ها استفاده می‌کند تا چارچوب حقوقی مشخصی برای ارزیابی سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها فراهم آورد و به این سؤال پاسخ دهد که چه نسبتی بین سیاست‌های اقتصادی دولت و تعهدات حقوق بشری برقرار است؟ با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، اصطلاح «حقوق بشر» در متن به‌طور خاص بر حقوق اقتصادی، اجتماعی دلالت دارد.

حوزه سیاست‌های اقتصادی و تعهدات حقوق بشری دولت موضوعی پیچیده و چندوجهی است. در ایران پژوهش‌های محدودی در این زمینه صورت گرفته است. از جمله پژوهش‌های داخلی می‌توان به مقاله احمدی گندمانی و همکاران اشاره کرد که با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش قانون اساسی در تصمیمات اقتصادی و اصول حقوق بشری پرداخته است.^۱ همچنین

۱. احمدی گندمانی، ایوب، محمد صادقی و بابک باصری، «مبانی حقوقی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوقی و قضایی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹.

مقاله می‌رموسوی به تحلیل تعهدات دولت نسبت به حقوق بشر در سیاست‌های اقتصادی می‌پردازد.^۱ در منابع خارجی، مقاله Balakrishnan و همکاران سیاست‌های اقتصادی و تعهدات حقوق بشری را در مکزیک و ایالات متحده بررسی^۲ و Marie-Christine نیز بر تعهدات دولت در زمینه فعالیت‌های تجاری مؤثر بر حقوق بشر تأکید کرده است.^۳ همچنین، Langford ضرورت توجه برابر به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سیاست‌های اقتصادی را برجسته کرده است.^۴ پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از روش‌های کیفی و کمی به تحلیل سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و انطباق آن با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر پرداخته و با ارائه چارچوبی منسجم، درک دقیق‌تری از ارتباط میان سیاست‌های اقتصادی و تعهدات حقوق بشری ارائه می‌دهد.

۱. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر پیوند میان سیاست‌های اقتصادی دولت و تعهدات حقوق بشری استوار است و تلاش می‌کند نقش دولت را در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی در راستای تحقق حقوق اقتصادی-اجتماعی تحلیل کند. این چارچوب ابتدا به مفهوم و انواع سیاست‌های اقتصادی دولت می‌پردازد و سپس حقوق اقتصادی-اجتماعی را به‌عنوان تعهدات بنیادین دولت‌ها بررسی می‌کند تا چالش‌ها و ظرفیت‌های موجود در این حوزه روشن شود.

۱.۱. دولت و سیاست‌های اقتصادی

در دهه‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای آشکار شده است که سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها تأثیر بسزایی در تحقق حقوق اقتصادی-اجتماعی دارد. از این نظر، اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت باید به‌گونه‌ای باشد که این حقوق را، که برای رفاه و کرامت افراد و جوامع ضروری است، محقق کند و ارتقا بخشد.

۱. می‌رموسوی، «تعهد و مسئولیت دولت در برابر حقوق بشر»، فصلنامه حقوق بشر، ۱۳۹۹.

2. Balakrishnan, Radhika, and Diane Elson. *Economic Policy and Human Rights: Holding Governments to Account*. New York: Zed Books, 2014.

3. Marie-Christine, Robert. *State Obligations Concerning Business and Human Rights*. Geneva: International Commission of Jurists, 2024.

4. Langford, Malcolm. *Economic, Social and Cultural Rights as Human Rights*. Cambridge: Cambridge University Press, 2013.

مفهوم سیاست اقتصادی شامل اصول و استراتژی‌هایی است که توسط دولت‌ها و سایر نهادهای تصمیم‌گیر برای تنظیم و تأثیرگذاری بر اقتصاد به کار گرفته می‌شود و شامل پرداختن به مسائل و چالش‌های اقتصادی مختلف مانند تورم، بیکاری و رشد اقتصادی از طریق ترکیبی از اقدامات مالی، پولی و تجاری است.^۱ نهادهای دموکراتیک قوی و بهبود کیفیت حکمرانی دولت از طریق تغییر ساختار مخارج دولت و کاهش رانت دولتی می‌تواند باعث تسهیل روند تغییرات تکنولوژی، افزایش رشد اقتصادی و در نهایت بهبود عملکرد اقتصاد شود.^۲

سیاست مالی جزء مهم سیاست دولت برای ایجاد توسعه اقتصادی بلندمدت، گسترده و پایدار است. بودجه، مالیات، مخارج عمومی و بدهی عمومی ابزارهای سیاست مالی هستند.^۳ سیاست پولی و اعتباری بخش مهمی از سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی یک کشور است که با هدف تضمین ثبات قیمت‌ها، ایجاد شرایط مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی کشور و افزایش سطح اشتغال شهروندان انجام می‌شود. از جمله جهت‌گیری‌های اصلی سیاست پولی، اهداف نهایی زیر را می‌توان شناسایی کرد که به‌طور مستقیم با سطح امنیت اقتصاد ملی مرتبط هستند: رشد تولید واقعی، تورم متوسط مورد انتظار، تراز پرداخته‌ای بین‌المللی و حداکثر اشتغال.^۴ سیاست تجاری شامل مجموعه پیچیده‌ای از استراتژی‌ها و مقرراتی است که کشورها برای مدیریت روابط تجاری بین‌المللی خود به کار می‌گیرند. این سیاست‌ها شامل تصمیم‌گیری در مورد تعرفه‌ها، سهمیه‌های واردات و موافقت‌نامه‌های تجاری است که تعاملات اقتصادی یک کشور را با بازار جهانی شکل می‌دهد. از آنجا که سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها تأثیر مستقیمی بر تأمین نیازهای اساسی و تحقق حقوق اقتصادی-اجتماعی دارند، ضروری است این حقوق به‌عنوان یکی از تعهدات بنیادین دولت‌ها به تفصیل بررسی شوند تا ارتباط میان سیاست‌های اقتصادی و تحقق حقوق بشری تبیین شود.

1. Gvelesiani, R., and I. Gogorishvili. "The Basic Problems for the Realization of the Concept of Economic Policy", *In XII International Conference on Economics and Management, International Science Index*, vol. 8, no 11, pp 10-11. 2014.

۲. ایزدخواستی، حجت، «تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد رشد درون‌زا»، *اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی)*، ش ۴۱۵، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵.

3. Acharya, Krishna. "Application of Instruments of Fiscal Policy in Nepal", *Economic Review of Nepal* 2, no. 1, 2019 pp 1-16.

4. Galustian, R. "The Role of Monetary Policy in the System for Ensuring the Financial Stability of the State", *Scientific Notes of Taurida National V.I. Vernadsky University. Series: Economy and Management* 73, no. 3, 2023. <https://doi.org/10.32782/2523-4803/73-3-13>.

۱.۲. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آغاز سده بیستم مورد شناسایی کشورها قرار گرفت. شناسایی و اعلام این حقوق به جنگ جهانی دوم به‌خصوص نطق مشهور رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا فرانکلین روزولت برمی‌گردد که یکی از آزادی‌های چهارگانه را آزادی یا رهایی از احتیاج و نیاز می‌دانست. این حقوق، بخش اساسی و جدایی‌ناپذیر از هنجار حقوق بشر در مفهوم بین‌المللی آن است و طبقه‌بندی وسیعی از حقوق بشر تضمین شده در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر معاهدات الزام‌آور قانونی حقوق بشر منطقه‌ای و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد.^۱

قواعد طبقه‌بندی شده در نسل دوم حقوق بشر از جمله حقوقی‌اند که از نظر قانون‌گذاری و کدگذاری هم‌زمان با قواعد نسل اول پدید آمدند؛ اما شناسایی آنها به لحاظ فلسفی و نظری پس از حقوق مدنی و سیاسی است و از آن هنگام دارای وجهه و جایگاه ویژه حقوقی در نظام حقوق بین‌الملل بشر شدند که علت و سبب آن نیز وقوع اوضاع و احوال اجتماعی تا حدودی متفاوت با دوره گذشته بود.^۲ عقاید مکتب لیبرالیسم کلاسیک که بر آزادی فردی و سود پرستی تأکید داشت و به رفاه اجتماعی بی‌توجه بود، نتایج بسیار نامطلوبی از جمله نابرابری اقتصادی و اجتماعی و وضعیت نامطلوب کارگران به همراه داشت. این مشکلات موجب شد که افکار عمومی به سمت مالکیت عمومی و نظارت دولت بر ابزار تولید گرایش یابد. اندیشه سوسیالیستی نقدهای جدی به فردگرایی و آزادگرایی نظام سرمایه‌داری وارد کرد و خواستار مداخله جدی دولت در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی شد تا اجحافات، بی‌عدالتی‌ها و نارسایی‌ها در جامعه زدوده شود و حداقل استانداردهای زندگی و رفاه عمومی که لازمه‌شان و حیثیت انسانی است برای هرکس فراهم گردد.^۳ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجموعه‌ای از حقوق ضروری برای کرامت و توسعه انسانی را دربرمی‌گیرد. این حقوق شامل حق برخورداری از امنیت اجتماعی، کار و استانداردهای مناسب زندگی است که نیازهایی مانند غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی و

۱. مولائی جم، ابراهیم، تعهدات بین‌المللی دولتها در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزین، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۲، صص ۲۳-۲۷.

۲. نقیبی مفرد، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۹، ص ۶۶.

۳. عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۵، صص ۲۹۱-۲۸۹.

آب و بهداشت را پوشش می‌دهد.^۱ حق‌های رفاهی (در عنوان فراگیر آن)، مطالبات و ادعاهای حقوقی تضمین شده‌ای ضد دولت خواهند بود، چه اینکه متعهد اصلی در تمامی حق‌های بشری دولت است.^۲ این حقوق در اسناد اساسی حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۲۲ تا ۲۷) به رسمیت شناخته شده است.

بدون تضمین حداقل‌های ضروری حقوق اقتصادی و اجتماعی، حقوق مدنی و سیاسی به اموری انتزاعی و تخیلی تبدیل می‌شوند. در واقع نباید از یاد برد که فقر تمامی حقوق بشر را غیرعملی می‌سازد. حتی اگر حقوق بشر را به حقوق مدنی و سیاسی تعبیر کنیم؛ اساسی‌ترین شرط برای تحقق حقوق مدنی و سیاسی این است که برای تحقق آن باید زنده باشیم و این موضوع مستلزم دسترسی به نیازهای پایه‌ای زندگی است.^۳

باین‌حال، چالش‌هایی در اجرای این حقوق وجود دارد که شامل مسائل قانونی، عدالت‌پذیری و دکتین دوالیسم می‌شود. بسیاری از این حقوق به دلیل تفسیرهای محدود قانونی و عدم قابلیت اندازه‌گیری به سختی در دادگاه‌ها قابل پیگیری هستند. همچنین، معاهدات بین‌المللی معمولاً بدون تصویب قوانین داخلی قابل اجرا نیستند که این خود اجرای آنها را پیچیده می‌کند. مشکلات دیگری مانند نگرش‌های قضایی سنتی، چارچوب قانونی ناقص، فقدان اراده سیاسی دولتمردان، محدودیت منابع مالی، سیاست‌های اقتصادی نامناسب و کمبود آگاهی عمومی نیز به این چالش‌ها افزوده شده‌اند. برای رفع این موانع، نیاز به اصلاحات قانونی، تقویت نهادهای قضایی، افزایش آگاهی عمومی و مشارکت فعال جامعه مدنی است.^۴

۲. اصول اقتصادی حقوق بشر و سیاست‌های اقتصادی در ایران: هم‌افزایی یا تعارض

تلاقی اصول حقوق بشر و سیاست‌های اقتصادی به بررسی تأثیر حقوق بشر بر سیاست‌گذاری اقتصادی می‌پردازد و بر لزوم رعایت اصولی چون حق تعیین سرنوشت اقتصادی، تحقق تدریجی،

1. Schabas, W. A. "Economic, Social and Cultural Rights and Customary International Law." In *Furthering the Frontiers of International Law: Sovereignty, Human Rights, Sustainable Development*. Brill Nijhoff, 2021, p 326.

۲. قاری سید فاطمی، سیدمحمد، *حقوق بشر در جهان معاصر*، ج ۲، چ ۵، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰.

۳. هکی، فرشید، *حقوق اقتصادی- اجتماعی بشر در ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۳۲.

4. Ibe, S. "Implementing Economic, Social and Cultural Rights in Nigeria: Challenges and Opportunities", *African Human Rights Law Journal* 10, no. 1, 2010, pp 203-209.

استفاده از حداکثر منابع موجود، اجتناب از واپس‌گرایی، حداقل سطوح ضروری، عدم تبعیض و برابری و مشارکت، شفافیت و پاسخگویی تأکید دارد. این ادغام با چالش‌هایی در حاکمیت دولت و استقلال بازار مواجه است و نیاز به رویکردی جامع و انسانی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارد.

اقتصاد ایران، به دلیل اینکه جزو اقتصادهای با تاب‌آوری پایین و آسیب‌پذیری بالا ارزیابی می‌شود،^۱ به‌طور ویژه نیازمند ادغام سیاست‌های اقتصادی دولت با اصول حقوق بشر است. این رویکرد با کاهش نابرابری‌ها و ایجاد عدالت اقتصادی، می‌تواند تاب‌آوری را افزایش دهد و اقتصاد را در برابر شوک‌ها مقاوم‌تر کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقدمه و اصول بر تعهد به حقوق بشر و ایجاد جامعه‌ای عادلانه تأکید دارد؛ به‌ویژه اصول ۳ و ۴۳ که مسئولیت متوازن سازی رشد اقتصادی با حمایت از حقوق بشر را بر عهده دولت می‌داند. در عمل، اسنادی چون برنامه‌های توسعه، بودجه، سیاست‌های کلی نظام، مصوبات شورای عالی هماهنگی اقتصادی در سیاست‌گذاری اقتصادی نقش کلیدی دارند. ایران به عنوان عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موظف به رعایت استانداردهای حقوق بشری است. با توجه به اهمیت این موضوع، این بخش اصول مرتبط با حقوق اقتصادی مندرج در میثاق و انطباق سیاست‌های اقتصادی ایران با این استانداردها و اصول قانون اساسی را بررسی می‌کند.

۲.۱. حق تعیین سرنوشت اقتصادی

بدیهی‌ترین و مهم‌ترین اصل در تعهدات حقوق بشری، حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت اقتصادی خود است که در اسناد بین‌المللی متعدد مورد تأکید قرار گرفته است. در بخش اول، بند یک از ماده ۱ میثاق تصریح می‌نماید: «کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه دنبال می‌کنند.» حق مردم در پیگیری آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به معنای حق مداخله، همچنین در جایی که جنبه داخلی حق تعیین سرنوشت شناسایی می‌شود، به معنای آزادی اساسی است که در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستقل از

۱. قاسمی، حسام الدین و عباس عرب مازار، «بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر شاخص تاب‌آوری بودجه دولت در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا»، *اقتصاد باثبات*، ش ۴۲، ۱۴۰۰، ص ۱.

سیاست‌های دولت اعمال می‌شوند.^۱ درواقع، بند فوق تصدیق می‌کند که افراد و جوامع باید در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی که بر زندگی، معیشت و چشم‌انداز آینده آنها تأثیر می‌گذارد، نظر معناداری داشته باشند. به‌طور مشابه، این تأکید در اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۲ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم،^۳ اعلامیه حق توسعه^۴ و کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار^۵ دیده می‌شود. در رویکرد حقوق بشری، انسان دارای اراده آزاد و عقل خودبنیاد و ویژگی خودمختاری است. بر همین اساس، هر فرد از حق تعیین سرنوشت مؤثر و ابتکاری برخوردار است؛ بنابراین حق تعیین سرنوشت ماهیتاً و الزاماً نمی‌تواند در ساختارهای سیاسی-حقوقی که ملت به عنوان مجموع اراده انسان‌های ساکن در یک دولت-ملت برای نیل به اهداف خود تأسیس می‌کند، محدود شود.^۶ این اصل رویکردهای بالا به پایین در سیاست‌گذاری اقتصادی را به چالش می‌کشد و از فرایندهای مشارکتی مانند جلسات مشاوره عمومی، شوراهای مشورتی، مشارکت در برنامه‌ریزی، حمایت از حقوق کار و چانه‌زنی جمعی، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و کارآفرینی و ارائه فرصت‌های برابر برای مشارکت اقتصادی بدون توجه به پیشینه اجتماعی یا اقتصادی حمایت می‌کند. ازاین‌رو، حق تعیین سرنوشت هر ملتی اقتضا می‌کند تا اراده مردم به

۱. آسیبورن ایده، کاتارینا کراوزه، الن روساس، *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی* (گزیده مقالات به ضمیمه / اسناد)، ترجمه: گروه مترجمان به سرپرستی اردشیر ارجمند، انتشارات مجد، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶.
۲. ماده ۲۲: حق کار، انتخاب آزاد شغل و شرایط عادلانه و مساعد کار را تأیید می‌کند. حق برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که برای کرامت انسانی ضروری است، از جمله حق تعیین سرنوشت اقتصادی به رسمیت می‌شناسد.
۳. ماده ۲۰ مقرر می‌دارد: «همه مردم حق حیات خواهند داشت. آنها از حق بی‌چون‌وچرای تعیین سرنوشت برخوردار خواهند بود. آنها آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین خواهند کرد و توسعه اقتصادی و اجتماعی خود را طبق سیاستی که آزادانه انتخاب کرده‌اند دنبال خواهند کرد.» این منشور بر اهمیت خودمختاری اقتصادی برای همه مردم، به‌ویژه در زمینه پیگیری توسعه بر اساس سیاست‌های آزادانه آنها تأکید می‌کند.
۴. در اعلامیه حق توسعه، حق تعیین سرنوشت اقتصادی به صراحت در یک ماده مشخص نشده است. باین‌حال، کل اعلامیه حول محور حق افراد، گروه‌ها و مردم برای مشارکت، مشارکت و بهره‌مندی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که ذاتاً جنبه تعیین سرنوشت اقتصادی را دربرمی‌گیرد.
۵. کنوانسیون شماره ۸۷ در مورد آزادی انجمن‌ها و حمایت از حق تشکل و کنوانسیون شماره ۹۸ در مورد حق سازمان‌دهی و مذاکره جمعی است. این کنوانسیون‌ها بر حق کارگران برای انتخاب آزادانه شغل خود و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی بدون محدودیت‌های ناروا تأکید دارند.
۶. دست پیمان، صائب و علیرضا دبیرنیا، «شناسایی حق تعیین سرنوشت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه قدرت موسس»، *پژوهش حقوق عمومی*، د ۲۲، ش ۷۰، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱.

عنوان معیار برتر در تدوین، اصلاح و راهبری سیاست‌های اقتصادی تلقی شود و صرفاً به اعمال یکجانبه اقتصادی دولت اکتفا نشود.

دولت ایران به لحاظ نظری به این حق پایبند است و اصل ۴۴ قانون اساسی بر اقتصاد مشارکتی و توزیع مجدد ثروت تأکید می‌کند؛ اما در عمل برخی سیاست‌های نادرست اقتصادی به‌طور بالقوه، توانایی مردم را برای تعیین آزادانه انتخاب‌های اقتصادی خود محدود می‌کند. قانون‌گزینی و فقدان ثبات در قوانین اقتصادی، مانند تغییرات مکرر در سیاست‌های تجارت خارجی، مالیاتی، ارزی و پولی از عوامل اصلی ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی است. تخصیص یارانه‌های دولتی، دستکاری نرخ ارز و تخصیص درآمدهای صندوق توسعه ملی به دلیل فقدان شفافیت و ملاحظات سیاسی منجر به چالش‌های اقتصادی شده و مسیر حرکت به سمت اقتصاد باز و رقابتی را دشوار کرده است.

از سوی دیگر، این اصل را می‌توان از دریچه سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه نحوه مدیریت منابع کشور، میزان مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و میزان توزیع منافع سیاست‌های اقتصادی با پشتوانه داده‌ها و آمار ارزیابی کرد. دولت کنترل کاملی بر منابع ملی مانند نفت و گاز دارد که براساس گزارش اوپک تقریباً ۲۸ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۶۰ درصد از درآمدهای دولت را در سال ۲۰۱۹ تشکیل می‌داد.^۱ باوجود درآمدهای نفتی قابل توجه، توزیع ثروت به‌طور نابرابر صورت می‌گیرد. ضریب جینی که نابرابری درآمد را اندازه‌گیری می‌کند، در سال ۲۰۲۲ حدود ۳۴٫۸ گزارش شده است^۲ که نشان‌دهنده سطح بالایی از نابرابری است. این بدان معناست که به دلیل سوءمدیریت و تحریم‌های ظالمانه آمریکا، سود این منابع به‌طور عادلانه توزیع نشده است و بخش زیادی از مردم از این منابع بهره‌مند نمی‌شوند و دسترسی به منابع در دست عده معدودی متمرکز است.

از سوی دیگر، اقتصاد ایران به‌شدت تحت سلطه شرکت‌های دولتی^۳ و نهادهای شبه‌دولتی خصوصاً در حوزه انرژی و صنایع سنگین است که تقریباً ۶۰ درصد از اقتصاد را در دست دارند. این حجم از تسلط باعث کاهش نقش بخش خصوصی و تضعیف اصل خودمختاری اقتصادی می‌شود. تلاش‌های دولت برای اجرای خصوصی‌سازی به‌ویژه پس از تفسیر مجدد اصل ۴۴

1. https://www.opec.org/opec_web/en/publications/202.htm/

2. <https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.GINI>

3. state-owned enterprises (SOEs)

قانون اساسی نیز به دلیل طرفداری از نهادهای دارای ارتباطات سیاسی به جای انتقال واقعی، نتایج قابل توجهی نداشته است. شکست برنامه خصوصی‌سازی در توانمندسازی شهروندان عادی یا بخش خصوصی، اصل خودتعیینی اقتصادی را بیشتر تضعیف کرده است. همچنین، تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه پس از خروج آمریکا از برجام، توانایی دولت برای ارائه خدمات و درآمدزایی را محدود کرده و تأثیر منفی بر اقتصاد داشته است. بر اساس گزارش بانک جهانی (آوریل ۲۰۲۱)، اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌ها و پاندمی COVID-19 با چالش‌های جدی مواجه شده است. تولید ناخالص داخلی^۱ در سال ۲۰۱۹-۲۰ حدود ۶٫۸ درصد کاهش یافت؛ اما در سال ۲۰۲۰-۲۱ به دلیل بهبود بخش‌های نفتی و غیرنفتی به میزان ۱٫۷ درصد رشد کرد. نرخ تورم در سال ۲۰۲۰-۲۱ به ۳۶٫۹ درصد رسید و افت شدید درآمدهای نفتی و افزایش هزینه‌های ناشی از پاندمی به افزایش کسری بودجه تا ۶٫۳ درصد از تولید ناخالص داخلی منجر شد. همچنین، بدهی عمومی از ۴۷٫۹ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۹-۲۰ به ۵۰٫۳ درصد در سال ۲۰۲۰-۲۱ افزایش یافت.^۲ فساد نیز همچنان یکی از موضوعات مهم در نظام اقتصادی ایران است و بر توانایی عموم مردم برای بهره‌مندی از سیاست‌های اقتصادی و کنترل سرنوشت اقتصادی خود تأثیر می‌گذارد که در جای خود توضیح داده خواهد شد.

از این‌رو، درحالی‌که قانون اساسی ایران و سیاست‌های مختلف از لحاظ نظری از اصل حق تعیین سرنوشت اقتصادی مردم حمایت می‌کنند؛ اما چالش‌ها و مشکلات اقتصادی کشور همانند تورم و رکود اقتصادی است که محدودیت‌هایی در سیاست‌گذاری اقتصادی ایجاد کرده و فرصت‌های مشارکت اقتصادی شهروندان را کاهش داده است؛ با این حال، قانون اساسی عناصری برای ارتقای حقوق اقتصادی و مشارکت عمومی پیش‌بینی کرده است که می‌تواند برای بهبود وضعیت اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

۲.۲. تحقق تدریجی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بند یک ماده ۲ خود، تصریح می‌کند «هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌گردد با سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی به‌ویژه در طرح‌های اقتصادی و فنی- با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به

1. GDP

2. <https://www.worldbank.org/en/country/iran/publication/economic-update-april-2021/>

منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی به‌خصوص با قانون‌گذاری اقدام نمایند.» این اصل می‌پذیرد که منابع در اختیار دولت‌ها نامحدود نیست و تحقق حقوق زمان‌بر است. مفهوم تحقق تدریجی^۱ به معنای حذف کامل تعهد دولت برای تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیست. بلکه وظیفه‌ای «مشخص و مستمر» یا «ثابت و مداوم» را برای حرکت به سمت تحقق کامل حقوق تحمیل می‌کند. این گام‌ها به سمت تحقق کامل حقوق باید «در مدت زمان نسبتاً کوتاهی پس از لازم‌الاجرا شدن میثاق برای دولت‌های مربوطه برداشته شود» و «آگاهانه، ملموس و تا حد ممکن هدفمند» باشند.^۲ در این میان، سیاست‌هایی مانند ریاضت اقتصادی و خصوصی‌سازی خدمات عمومی به ویژه گروه‌های محروم را تحت تأثیر قرار می‌دهند و برابری را به‌عنوان مفهومی محدود در حقوق بشر به حاشیه می‌رانند.^۳ مفهوم تحقق تدریجی حقوق نباید به اشتباه به معنای تأخیر در اجرای حقوق به بهانه کمبود منابع تفسیر شود. دولت‌ها باید با توجه به شرایط و منابع محدود، اقدام کنند و حقوقی مانند حق عدم تبعیض و حق آموزش که به منابع زیادی نیاز ندارند، باید به سرعت پیگیری شوند. این رویکرد به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا با توجه به محدودیت‌های منابع، اقدامات لازم را انجام دهند و به تدریج به تحقق کامل حقوق دست یابند.

این اصل به‌طور صریح در قانون اساسی ایران ذکر نشده است؛ اما برخی اصول آن مانند اصل ۳ (ارائه آموزش رایگان، رفع تبعیض و تضمین مشارکت عمومی)، اصل ۲۹ (تأمین اجتماعی به عنوان حق همگانی) و اصل ۴۳ (اهداف اقتصادی مانند ریشه‌کنی فقر و تأمین نیازهای انسانی) با این ایده همسو هستند و بهبود تدریجی شرایط اقتصادی و اجتماعی را پیشنهاد می‌کنند. این اصل را می‌توان با بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت و تلاش برای بهبود شرایط اجتماعی-اقتصادی مردم در طول زمان، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند کاهش فقر، اشتغال، بهداشت، آموزش و پرورش و مسکن ارزیابی کرد.

1. Progressive Realization

2. Balakrishnan, R. & Elson, D. "Auditing Economic Policy in the Light of Obligations on Economic and Social Rights", *Essex Human Rights Review* 5, no. 1 (2008), p 5.

3. Marcondes Smith, Michael George. "Equality Restricted." *Health and Human Rights* 25 (2023), p 177.

نرخ فقر در ایران از ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۱۴ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است^۱ که تورم، بی‌ثباتی اقتصادی و تحریم‌ها بر آن تأثیرگذار است. نرخ بیکاری در سال ۲۰۲۳ به ۹٫۵ درصد رسیده و بیکاری جوانان حدود ۲۳ درصد. علاوه بر این، بخش غیررسمی حمایت‌های محدودی از اشتغال ارائه می‌دهد.^۲ در زمینه آموزش، نرخ باسوادی افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله به ۹۷ درصد در سال ۲۰۲۱ رسید.^۳ این پیشرفت‌ها در حق آموزش مثبت است، اگرچه چالش‌هایی در دسترسی عادلانه به آموزش عالی وجود دارد. شاخص‌های سلامت نیز بهبود یافته‌اند، امید به زندگی به ۷۵ سال^۴ افزایش یافته و کاهش مرگ‌ومیر نوزادان به ۱۰ در هر ۱۰۰۰ تولد رسیده است.^۵ پیشرفت در شاخص‌های سلامت نشان‌دهنده تحقق تدریجی حق بر سلامت است. در بخش مسکن، پروژه‌های متعدد مسکن‌سازی در دولت‌های مختلف با هدف ارائه مسکن ارزان قیمت انجام شد؛ اما با تأخیر و مشکلات کیفی مواجه شده است و مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن همچنان مسئله‌ساز است. در مجموع، باوجود پیشرفت‌های قابل‌توجه، چالش‌هایی نظیر فقر، نابرابری درآمد، بیکاری و مسائل اقتصادی همانند تورم، تحقق کامل حقوق اقتصادی و اجتماعی را محدود کرده‌اند.

۲.۳. استفاده از حداکثر منابع موجود

براساس اصل استفاده از حداکثر منابع موجود، از دولت انتظار می‌رود که تمام ثروت و درآمد موجود را برای رفاه مردم خود تخصیص دهد و اطمینان حاصل کند که از منابع به طور مؤثر برای ارتقای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌شود.^۶ تعریف دقیق «حداکثر منابع موجود» هنوز به طور کامل روشن نشده است. منطقی است که بگوییم حداکثر منابع موجود نه تنها به سطح تولید یک اقتصاد، نرخ رشد آن و میزان ورودی منابع از دیگر اقتصادها بستگی دارد؛ بلکه به نحوه بسیج منابع توسط دولت از میان شهروندان تحت صلاحیت خود برای تأمین تعهدات حقوق بشری نیز وابسته است.^۷ علاوه بر این، رابرتسون پیشنهاد می‌کند که منابع غیر مالی مانند منابع طبیعی، انسانی، اطلاعاتی، سازمانی و فرهنگی باید

1. <https://pip.worldbank.org/country-profiles/IRN>

2. <https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.1524.ZS?locations=IR>

3. <https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.1524.LT.ZS>

4. <https://data.worldbank.org/indicator/SP.DYN.LE00.IN>

5. <https://data.worldbank.org/indicator/SP.DYN.IMRT.IN?locations=IR>

6. Ibid. p 5.

جزء مهمی از منابع مالی دولت محسوب شوند. برخی معتقدند که این منابع باید به‌طور کمی و کیفی بررسی شوند. چپمن نیز تأکید می‌کند که منابع باید شامل منابع عمومی و خصوصی جامعه برای تحقق حقوق باشد. به‌طور کلی، برای «حداکثر منابع در دسترس»، باید منابع بخش عمومی، کمک‌ها و همکاری‌های بین‌المللی و همچنین منابع بخش خصوصی را در نظر گرفت و به هر دو بعد کمی و کیفی این منابع توجه کرد.^۱ این اصل به دولت‌ها اجازه می‌دهد تعهدات خود را متناسب با توانمندی‌هایشان تنظیم کنند و منابع را از طریق سیاست‌های مالی، تجاری، کمک‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک افزایش دهند؛ حتی با منابع محدود، دولت‌ها باید با برنامه‌های هدفمند حداکثر بهره‌برداری را از حقوق، به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر تضمین کنند. بدیهی است تفسیر و اجرای این اصل تا حدی پیچیده و نیازمند توجه به تغییرات منابع و شرایط خاص هر کشور است.

در قانون اساسی ایران، چندین اصل مرتبط با این موضوع وجود دارد که به استفاده بهینه و عادلانه از منابع تأکید دارند. اصل ۴۳ بر تأمین نیازهای اساسی مردم و منع انحصار و احتکار و ربا تأکید دارد. اصل ۴۴ نظام اقتصادی را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم کرده و بر استفاده بهینه از منابع برای رفاه عمومی تأکید می‌کند. اصل ۴۵ بر بهره‌برداری عادلانه از منابع عمومی و طبیعی و اصل ۴۸ به توزیع عادلانه امکانات اقتصادی میان مناطق مختلف کشور می‌پردازد. اصل ۱۵۳ نیز از سلطه بیگانگان بر منابع کشور جلوگیری می‌کند.

ارزیابی پایبندی عملی دولت ایران به این اصول نیازمند بررسی دقیق نحوه تخصیص مؤثر ثروت و منابع برای نیازهای شهروندان است. در ادامه تحلیلی از چگونگی همسویی حوزه‌هایی مانند درآمد دولت، مدیریت منابع، برنامه‌های اصلاح یارانه‌ها، توسعه انسانی و مدیریت بدهی با اصل فوق با پشتیبانی از آمار و داده‌های مربوطه ارائه شده است. در سال ۲۰۲۱، درآمد دولت ایران معادل ۱۵٫۶ درصد از تولید ناخالص داخلی بود و درآمدهای مالیاتی تنها ۶٫۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد.^۲ مخارج دولت حدود ۲۱٫۴ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شد که منجر به کسری مالی ۵٫۸ درصد شد. سطح نسبتاً پایین درآمد مالیاتی نشان‌دهنده

1. Uprimny, R. et al. "Bridging the Gap. The Future of Economic and Social Rights". Cambridge University Press, 2019. <https://doi.org/10.1017/9781108284653.021>, p 641.

2. <https://data.worldbank.org/indicator/GC.REV.XGRT.GD.ZS>

استفاده ناکامل از منابع داخلی است که ممکن است به علت فرار مالیاتی، زیرساخت‌های مالیاتی ناپایدار و وابستگی به درآمدهای نفتی باشد. کسری مالی نشان می‌دهد که دولت بیشتر از توان خود هزینه می‌کند که می‌تواند بر تخصیص مؤثر منابع به حقوق اقتصادی، محدودیت ایجاد کند. مدیریت منابع طبیعی (درآمدهای نفت و گاز) حدود ۱۸ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۶۰ درصد از صادرات را تشکیل می‌دهد.^۱ تحریم‌های ظالمانه آمریکا موجب کاهش صادرات نفت از ۲٫۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۷ به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ شد و توانایی دولت را برای بهره‌برداری و جذب سرمایه‌گذاری محدود کرد.

دولت برای بهبود توزیع منابع و کاهش مصرف بی‌رویه، اصلاحات یارانه‌ای و برنامه کمک‌های نقدی را اجرا کرده است. این برنامه در ابتدا حدود ۹۰ درصد جمعیت را پوشش می‌داد؛ اما تورم و سوءمدیریت اقتصادی ارزش واقعی این پرداخت‌ها را کاهش داده است. با وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی، دامنه برنامه محدود و تأثیر آن نابرابر شده است. ناتوانی دولت در کنترل تورم موجب کاهش اثربخشی و پایدار نبودن این رویکرد شده است.

در حوزه توسعه سرمایه انسانی، نرخ باسوادی بزرگسالان ۸۹ درصد^۲ و جوانان ۹۹ درصد است^۳ و شاخص توسعه انسانی^۴ ایران در سال ۲۰۲۲ برابر با ۰٫۷۸۰ بود که کشور را در بین ۱۹۳ کشور در رتبه ۷۸ قرار داد.^۵ دولت گام‌های قابل توجهی در آموزش برداشته است؛ اما در تبدیل این امر به رشد اقتصادی و بهبود استانداردهای زندگی با چالش‌هایی مواجه است. از سوی دیگر، در مدیریت بدهی، بانک جهانی کل بدهی خارجی ایران در پایان سال ۲۰۲۲ را ۹٫۹۵۰ میلیون دلار اعلام کرد که نسبت به سال قبل ۳٫۸۵ درصد کاهش داشته است^۶ و نشان‌دهنده عدم وابستگی شدید به استقراض خارجی است. این کاهش می‌تواند به مدیریت مالی محتاطانه اشاره کند؛ اما ممکن است به معنی استفاده ناکافی از منابع بالقوه برای پیشبرد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم باشد.

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PETR.RT.ZS>

2. <https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.LITR.ZS/>

3. <https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.1524.LT.ZS?locations=IR/>

4. HDI/

5. <https://hdr.undp.org/data-center/specific-country-data#/countries/IRN/>

6. <https://data.worldbank.org/indicator/DT.DOD.DECT.CD/>

به نظر می‌رسد از منابع کشور به‌طور مؤثر برای بهبود رفاه شهروندان استفاده نشده است. تلاش‌های بهداشتی و رفاهی با تورم بالا، کاهش درآمدها و ناکارآمدی شرکت‌های دولتی محدود شده‌اند. فساد در بخش‌های کلیدی نیز مانع تخصیص مناسب منابع و بهره‌برداری کامل از ثروت کشور شده است. علاوه بر آن، وجود جریان‌های درآمدی فرابودجه‌ای در اقتصاد ایران اصل حداکثر استفاده از منابع را به چالش می‌کشد. «ردیف خارج از شمول، اختیارات گسترده‌ای را از لحاظ نحوه هزینه کردن منابع مالی در دست معدودی از مدیران دستگاه‌ها، متمرکز نموده است»^۱ که در سوابق مالی رسمی خود آن را افشا یا درج نمی‌کنند و به‌طور شفاف به مردم اطلاع‌رسانی نمی‌شود. این درآمدها می‌تواند ناشی از فعالیت‌های مختلفی مانند معاملات فرا بودجه‌ای، مالیات‌های افشا نشده، مابه‌التفاوت نرخ محاسباتی ارز در بودجه و نرخ مبادله‌ای یا پرداخت‌های نامنظم باشد.

تمرکز قدرت و ثروت در کانون‌های خاص، به عنوان مانعی جدی در مسیر اصلاحات ساختاری و سیاست‌گذاری کارآمد اقتصادی عمل می‌کند. این پدیده، که می‌توان آن را نوعی «تعارض منافع نهادینه شده» نامید، منجر به شکل‌گیری ساختارهای رانتی و انحصاری می‌شود که نه تنها اصل برابری فرصت‌ها و عدالت اقتصادی را نقض می‌کند؛ بلکه با ایجاد موانع ساختاری در برابر اجرای سیاست‌های اصلاحی، کارآمدی نظام حقوقی-اقتصادی را به چالش می‌کشد. چنین فعالیت‌های فرابودجه‌ای تعارضات قابل‌توجهی با تعهدات حقوق بشری دولت و حقوق اقتصادی مردم دارد.

وقتی بخش قابل‌توجهی از درآمد ملی توسط نهادهای غیرشفاف کنترل می‌شود، اقتصادی موازی شکل می‌گیرد که از نظارت دقیق و بررسی رسمی مستثنا است. این وضعیت موجب می‌شود که شهروندان از حق آگاهی درباره تخصیص و استفاده از ثروت ملی محروم شوند درحالی‌که شهروندان این حق را دارند که بدانند از ثروت کشورشان چگونه استفاده می‌شود و دولت خود را در قبال تصمیماتش مسئول بدانند. در نتیجه، توانایی آنها برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و نظارت بر مقامات محدود می‌شود.

۱. مصلی نژاد، عباس، اقتصاد سیاسی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه، ۱۴۰۰، ص ۱۳۱.

معافیت‌های مالیاتی و استقلال مالی این نهادها نیز منجر به تمرکز سرمایه‌های عمومی در دست گروه‌های خاص می‌شود و توزیع نادرست ثروت را تشدید می‌کند. این وضعیت بار مالیات را بر دوش شهروندان عادی و مشاغل کوچک‌تر قرار می‌دهد و حق برابری در مالیات را نیز نقض می‌کند. همچنین، عدم شفافیت و نظارت در فعالیت‌ها فساد و سوءمدیریت را افزایش می‌دهد و حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان را تهدید می‌کند. درواقع، وجود این منابع می‌تواند به معنای عدم استفاده حداکثری از منابع موجود در کشور باشد.

۲.۴. اجتناب از واپس‌گرایی

دکترین عدم واپس‌گرایی^۱ یک اصل حقوقی است که مقرر می‌دارد؛ دولت‌ها باید از اقداماتی که پیشرفت یا مزایای حقوق به رسمیت شناخته‌شده را تضعیف می‌کند، خودداری کنند. این اصل به عنوان محافظی در برابر تصمیمات منفی سیاسی یا اقتصادی به‌ویژه در زمان رکود اقتصادی عمل می‌کند و تأکید می‌کند که دولت‌ها باید فعالانه به پیشبرد و ارتقای حقوق بپردازند، نه صرفاً حفظ وضعیت موجود.

یک پیش‌فرض قوی وجود دارد که اقدامات قهری از سوی دولت، مانند کاهش هزینه‌های خدمات عمومی یا مالیات‌های ضروری برای تأمین این خدمات به‌طور کلی مجاز نیستند. اگر دولت به چنین اقداماتی متوسل شود، باید ثابت کند که این تصمیمات پس از بررسی تمام گزینه‌ها اتخاذ شده و کاملاً قابل‌توجیه‌اند. به‌عنوان مثال، کاهش هزینه‌های دولت در زمینه بهداشت و آموزش و در عین حال عدم کاهش هزینه‌های مربوط به تسلیحات، احتمالاً اصل عدم واپس‌گرایی را نقض می‌کند.^۲ اقداماتی که منجر به برداشتن گام‌های رو به عقب در جهت دستیابی به حقوق اقتصادی-اجتماعی می‌شود، تنها در صورتی مجاز است که دولت‌ها بتوانند ثابت کنند که چنین اقدامات قهری؛ موقت، مشروع، معقول، ضروری، متناسب، بدون تبعیض، بر اساس شفافیت، مشارکت واقعی گروه‌های آسیب‌پذیر و مشروط به رویه‌های پاسخگویی باشند.^۳

در قانون اساسی ایران، در اصل ۳، دولت موظف است تمامی امکانات خود را برای ایجاد رفاه عمومی و تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم به‌کار گیرد و از هرگونه اقدامی که موجب

1. Non-Retrogression

2. Balakrishnan. Cit. p 6.

3. Bohoslavsky, J. P. "Human Rights and Economic Policy Reform". Routledge, 2021. <https://doi.org/10.4324/9781003174912-8>, p 166.

کاهش این حقوق شود، پرهیز کند. همچنین در اصل ۴۳، بر تأمین نیازهای اساسی مردم مانند مسکن، غذا، بهداشت و آموزش، و بر جلوگیری از کاهش این دستاوردها و حقوق تأکید می‌کند. در سیاست‌های اقتصادی ایران، در میان شاخص‌های کلیدی مانند نرخ فقر، آموزش، بهداشت و حمایت اجتماعی که پیش‌تر ارائه شد، برخی پسرقتها مشاهده می‌شود. افزایش نرخ فقر و کاهش قدرت خرید ناشی از تحریم‌ها و تورم، به طور خاص در حق استانداردهای زندگی تأثیرگذار است. در حوزه آموزش، کاهش بودجه و افت کیفیت نگران‌کننده به نظر می‌رسد. همچنین، کاهش دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی برای گروه‌های آسیب‌پذیر، مسائلی جدی در حق سلامت را نمایان می‌کند. به‌علاوه، کاهش ارزش واقعی مزایا و اثربخشی حمایت‌های اجتماعی، چالش‌های جدی را برای اقشار آسیب‌پذیر به وجود آورده است. به‌طور کلی، سیاست‌های اقتصادی ایران به‌ویژه در زمینه‌های فقر، حمایت اجتماعی، مسکن و بیکاری، زمینه‌های نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد که نیازمند توجه و اصلاحات داخلی مؤثر است.

۲.۵. حداقل سطوح ضروری یا حداقل تعهدات اصلی

در زمینه تعهدات حقوق بشر، «حداقل سطوح ضروری»^۱ یا «حداقل تعهدات اصلی» به پایه اساسی و غیرقابل بحثی اشاره دارد که دولت‌ها باید برای تضمین برخورداری شهروندان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آن حمایت کنند. طبق نظریه کلی شماره ۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها باید استانداردهای اساسی را بدون توجه به منابع یا ظرفیت اقتصادی خود رعایت کنند؛ مانند تأمین غذای کافی، مسکن و بهداشت و درمان که در ماده ۱۱ میثاق نیز ذکر شده است.^۲ دولت‌ها موظف‌اند در اجرای سیاست‌های اقتصادی، این تعهدات حداقلی را اولویت دهند و اطمینان حاصل کنند که این سیاست‌ها به نیازهای اساسی آسیب نمی‌زنند. به عبارت دیگر، استراتژی‌های اقتصادی باید علاوه بر ارتقای تدریجی رفاه، به‌طور صریح از این حقوق اساسی محافظت کنند تا هیچ سیاستی شرایط ضروری برای کرامت و رفاه انسانی را تهدید نکند.

1. Minimum Essential Levels/Minimum Core Obligations

2. Committee on Economic, Social and Cultural Rights. *General Comment No. 3: The Nature of States Parties' Obligations (Art. 2, Para. 1, of the Covenant)*. Refworld, 2024. <https://www.refworld.org/legal/general/cescr/1990/en/5613>.

اصول ۳، ۲۹، ۴۳ و ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت را ملزم به تأمین حداقل سطحی از نیازهای اقتصادی - اجتماعی شهروندان کرده است. البته، میزان و نحوه اجرای این تعهدات در عمل ممکن است متفاوت باشد. ارزیابی عملکرد دولت در این زمینه نشان می‌دهد که در حوزه امنیت غذایی، شیوع سوءتغذیه (۶ درصد جمعیت کشور در سال ۲۰۲۱)^۱ ناشی از تورم و تحریم‌ها به حداقل تعهدات آسیب می‌زند. در بخش بهداشت، دسترسی به دارو و خدمات پزشکی با چالش‌هایی روبه‌روست؛ اگرچه برخی شاخص‌ها بهبود یافته‌اند. در آموزش، دسترسی به آموزش ابتدایی حفظ شده، اما کاهش کیفیت تهدیدی جدی به حساب می‌آید. در حوزه آب آشامیدنی و بهداشت، دسترسی بالا نشان‌دهنده رعایت حداقل تعهدات است. باین‌حال، سیستم‌های حمایت اجتماعی به دلیل کاهش ارزش واقعی مزایا ناکافی به نظر می‌رسند. در بخش مسکن، زیرساخت‌های اولیه وجود دارد؛ اما عدم مقرون به صرفه بودن مسکن در مناطق شهری نشان‌دهنده نقص در تعهدات دولت است. در مجموع، دولت به برخی از حداقل تعهدات عمل کرده، اما نگرانی‌های قابل توجهی در زمینه‌های امنیت غذایی، بهداشت، حمایت اجتماعی و مسکن وجود دارد.

۲.۶. عدم تبعیض و برابری^۲

در بند دوم از ماده ۲ میثاق «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند.»

اصل عدم تبعیض و برابری، اصول اساسی حقوق بشرند که بر طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی تأثیر دارند. اصل عدم تبعیض از دولت‌ها می‌خواهد که از ایجاد تمایز بر اساس دلایل ممنوعه خودداری کنند و اصل برابری از آنها می‌طلبد که فراتر از منع تبعیض رفته و به طور فعال نابرابری‌ها را کاهش دهند. این اصول به هم مرتبط‌اند؛ زیرا تبعیض می‌تواند نابرابری‌های موجود را تشدید کند؛ بنابراین، دولت‌ها باید سیاست‌های اقتصادی را به گونه‌ای تدوین کنند که هم عدم

1. <https://data.worldbank.org/indicator/SN.ITK.DEFC.ZS?locations=IR/>

2. Non-discrimination and Equality

تبعیض و هم برابری را ارتقا دهند و تضمین کنند که سیاست‌های آنها به طور ناخواسته به گروه‌های خاصی (شامل زنان، افراد دوجنسه،^۱ تراجنسی^۲ و بیناجنسی،^۳ افراد توانخواه؛^۴ کودکان؛ سالمندان؛ بومیان؛ مهاجران؛ پناهندگان؛ آوارگان داخلی؛^۵ فقرا؛ بیکاران و کسانی که مشاغل نایمن دارند، والدین تنها و اقلیت‌های قومی، ملی، زبانی، مذهبی یا سایر اقلیت‌ها)^۶ آسیب نمی‌رسانند یا آنها را حذف نمی‌کنند و فعالانه در ایجاد جامعه‌ای عادلانه مشارکت می‌کنند.

اصول ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۸ قانون اساسی ایران نیز، دولت را ملزم به رعایت اصل عدم تبعیض و برابری در حقوق اقتصادی- اجتماعی شهروندان کرده است. بررسی وضعیت ایران در این زمینه بر اساس شاخص‌های کلیدی همچون اشتغال، درآمد، آموزش، بهداشت و دسترسی به خدمات اولیه نشان‌دهنده نابرابری‌های قابل توجه است. در سال ۲۰۲۲ نرخ مشارکت نیروی کار زنان فقط ۱۴ درصد بود؛^۷ درحالی‌که این رقم برای مردان ۶۷٫۵ درصد بود.^۸ نرخ بیکاری زنان در سال ۲۰۲۳ حدود ۱۵٫۸ درصد^۹ و برای مردان ۸٫۷ درصد بود.^{۱۰} با وجود تحصیلات بالا، زنان به دلیل موانع اجتماعی و محدودیت‌های فرهنگی قادر به تبدیل تحصیلات به فرصت‌های اقتصادی نیستند. ساکنین مناطق کم‌برخوردار کشور نیز با نرخ فقر بالاتری مواجه‌اند؛ نرخ فقر در برخی از آن مناطق دو برابر میانگین ملی برآورد می‌شود^{۱۱} و دسترسی آنها به آموزش و بهداشت محدود است. نابرابری‌های روستایی در مقابل شهری نیز مشهود است؛ در سال ۱۴۰۲ نرخ فقر در مناطق روستایی ۱۰٫۲ درصد و در مناطق شهری ۲۴٫۳ درصد بوده است.^{۱۲} فقط ۸۷ درصد خانوارهای روستایی به آب لوله‌کشی دسترسی دارند؛ درحالی‌که این نرخ در مناطق شهری ۹۶ درصد است.^{۱۳} همچنین، نرخ اشتغال افراد توان‌خواه فقط ۲۳ درصد است. در نهایت، اگرچه سیستم حمایت اجتماعی ایران نسبتاً جامع است، اما گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان، اقلیت‌ها و افراد توان‌خواه

1. bisexual

2. transsexual

3. intersex

4. disabilities

5. internally displaced persons

6. Bohoslavsky, Cit. p 163.

7. <https://data.worldbank.org/indicator/SL.TLF.CACT.FE.ZS?locations=IR/>8. <https://data.worldbank.org/indicator/SL.TLF.CACT.MA.NE.ZS?locations=IR/>9. https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.FE.ZS?name_desc=true&locations=IR/10. https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.MA.ZS?locations=IR&name_desc=true/11. <https://minorityrights.org/country/iran/>12. <https://amar.org.ir/news/ID/15721/hazinekhanevar1402/>13. <https://data.worldbank.org/indicator/SH.H2O.SMDW.UR.ZS?locations=IR/>

از مزایای کمتری برخوردارند. تورم بالا نیز موجب کاهش ارزش واقعی مزایا شده است.^۱ به‌طور کلی، ایران در رعایت اصل عدم تبعیض به‌ویژه در زمینه‌های جنسیتی، قومی - مذهبی، روستایی، حقوق افراد توانخواه و حمایت اجتماعی با چالش‌های قابل توجهی مواجه است.

۲.۷. پاسخگویی، مشارکت و شفافیت

در چارچوب تعهدات حقوق بشری، اصول پاسخگویی، مشارکت و شفافیت^۲ نقش کلیدی در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها دارند. پاسخگویی به این معناست که دولت‌ها باید در قبال تصمیمات اقتصادی و تأثیرات آن بر حقوق بشر، نظارت، گزارش‌دهی و جبران خسارت کنند. مشارکت بر نیاز به فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکتی تأکید می‌کند و به ذی‌نفعان این امکان را می‌دهد که در شکل‌دهی سیاست‌های اقتصادی که بر زندگی آنها تأثیر دارد، نظر دهند. شفافیت، ضرورت ارتباطات باز در مورد استراتژی‌ها، داده‌ها و نتایج را مطرح می‌کند و امکان بررسی عمومی را فراهم می‌آورد.

اهمیت پاسخگویی و مشارکت در اصول لیمبورگ^۳ که به اجرای میثاق مربوط می‌شود، مشخص است. بندهای زیر از اصول لیمبورگ با جنبه‌های ذکر شده مطابقت دارد:^۴ بندهای ۷ و ۱۰ این اصول بر ضرورت حسن‌نیت در اجرای تعهدات و پاسخگویی در برابر جامعه بین‌المللی و مردم تأکید می‌کند؛ درحالی‌که بند ۱۱ مشارکت مردمی را در تمامی مراحل سیاست‌گذاری ضروری می‌داند. هرچند شفافیت به‌طور مستقل به عنوان یک اصل بیان نمی‌شود؛ اما به‌طور ضمنی با اصول لیمبورگ و حوزه‌های کلیدی مرتبط است. این اصول به ترویج حکمرانی خوب و حمایت مؤثر از حقوق بشر به شیوه‌ای معنادار کمک می‌کنند.

اصول ۶، ۵۵، ۵۶، ۶۰ و ۹۰ قانون اساسی ایران به نوعی بر ضرورت شفافیت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، مشارکت عمومی در مدیریت اقتصادی و پاسخگویی نهادهای دولتی

1. <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL/>

2. Accountability, Participation and Transparency

۳. مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها هستند که برای روشن کردن دامنه و اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همان‌طور که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان شده است، تدوین شده‌اند. این اصول طی نشست سازمان ملل متحد در لیمبورگ هلند در سال ۱۹۸۶ تدوین شد و در سال ۱۹۸۷ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تأیید شد.

4. ESCR-Net. "Limburg Principles on the Implementation of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights." 1986. <https://www.escr-net.org/resources/limburg-principles-implementation-international-covenant-economic-social-and-cultural>.

به مردم در اجرای سیاست‌های اقتصادی تأکید دارند. در سیاست‌های اقتصادی دولت لازم است به ادغام این اصول سه گانه در تصمیم‌گیری، دسترسی به داده‌های اقتصادی و مشارکت شهروندان توجه شود. ایران در سال ۲۰۲۳ با امتیاز ۲۴/۱۰۰ در شاخص ادراک فساد،^۱ در رتبه ۱۴۹ از ۱۸۰ کشور قرار دارد.^۲ همچنین، در شاخص‌های حکمرانی^۳ بانک جهانی، در سال ۲۰۲۲ کمترین امتیازات را در کیفیت تنظیم‌گری و پاسخگویی کسب کرده است. پاسخگویی (۸,۷۰/۱۰۰)، کارآمدی دولت (۱۸,۴۰/۱۰۰)، کیفیت تنظیم‌گری (۴,۲۵/۱۰۰)، حاکمیت قانون (۱۷,۴۵/۱۰۰) و کنترل فساد (۱۴,۱۵/۱۰۰). این امتیازات نشان از عملکرد ایران در مکانیسم‌های پاسخگویی و شاخص‌های حکمرانی جهانی است.^۴

برای بررسی آماری مشارکت مردم در اقتصاد، شاخص‌های کلیدی نظیر نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ بیکاری، شکاف اشتغال جنسیتی، ضریب جینی و نسبت سرانه فقر محاسبه می‌شود که البته در مباحث قبلی توضیح داده شد. اصل شفافیت نیز به دسترسی آزاد مردم به اطلاعات دقیق و به‌هنگام مربوط می‌شود. ایران در شاخص بودجه باز در سال ۲۰۲۲ در رتبه ۱۲۸ در بین ۱۵۵ کشور قرار دارد که این امتیاز نشان‌دهنده دسترسی محدود مردم به اسناد بودجه و کمبود فرصت برای مشارکت عمومی در فرایند بودجه است.

مشارکت، پاسخگویی و شفافیت اصول کلیدی هر نظام دموکراتیک و مهم در بهبود عملکرد اقتصادی و کاهش فساد هستند. چالش‌های مرتبط با این سه اصل در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران، ساختاری پیچیده و چندلایه دارند که مانع از تحقق یک سیستم اقتصادی کارآمد می‌شوند؛ یکی از دلایل ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی، فقدان شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است. این امر ناشی از ضعف در حق دسترسی به اطلاعات (ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی) و عدم پاسخگویی کافی مسئولان است. برای نمونه، سیاست‌های حمایتی مانند یارانه‌ها یا تخصیص ارز ترجیحی بدون شفاف‌سازی و نظارت عمومی منجر به فساد گسترده و ناکارآمدی شده است.

1. CPI

2. <https://www.transparency.org/en/cpi/2023/index/nzl/>

3. WGI

4. <https://www.worldbank.org/en/publication/worldwide-governance-indicators/interactive-data-access/>

یکی از چالش‌های اصلی دیگر در تصمیم‌گیری اقتصادی، عدم وجود چارچوب شهروند محور در تصمیم‌گیری اقتصادی است که مانع مشارکت مؤثر مردم می‌شود و تصمیمات اقتصادی عمدتاً به صورت متمرکز توسط نهادهای دولتی اتخاذ می‌شوند. این درحالی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، سازوکارهای مختلفی برای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مانند مالکیت جمعی، بنگاه‌های سهامی، بودجه‌ریزی مشارکتی و تعاونی‌ها وجود دارد. مطابق ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، شهروندان حق دارند در مدیریت امور عمومی مشارکت داشته باشند؛ اما در ایران، فرایند سیاست‌گذاری اقتصادی عموماً بوروکراتیک و غیرمشارکتی است و نهادهای مدنی، دانشگاهیان و بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها نقش مؤثری ندارند. این محرومیت از مشارکت تأثیر مستقیمی بر ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دارد.

از سوی دیگر، در فرایند قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری اقتصادی، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و فقدان یک مرجع واحد و متمرکز مشاهده می‌شود. وجود نهادهای متعدد با وظایف و اختیارات گاه متداخل یا مبهم منجر به ناهماهنگی، تضاد در سیاست‌ها و در نهایت ناکارآمدی آن‌ها می‌شود. این تعدد مراجع سبب شده است قوانین و مقررات با اهداف و رویکردهای متعارضی تصویب شوند و اغلب، سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی با سردرگمی در اجرای قوانین روبه‌رو شوند. به عنوان مثال، در حوزه سیاست‌های پولی و ارزی، علاوه بر بانک مرکزی نهادهایی مانند شورای پول و اعتبار، ستاد هماهنگی اقتصادی دولت و مجلس شورای اسلامی نیز نقش دارند. نمونه دیگر می‌توان به حوزه خصوصی‌سازی و واگذاری بنگاه‌های دولتی اشاره کرد که گاه منجر به ابهام در فرایندها و بروز فساد شده است. تعدد مراجع، گاه منجر به تصمیمات متناقض یا ناهماهنگ می‌شود که بر ثبات اقتصادی و حقوق اقتصادی-اجتماعی شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد.

همچنین، وجود شوراهای فرا وزارتی که در سطوح مختلف تصمیم‌گیری در ایران وجود دارند، چالش‌های خاص خود را در اجرای سیاست‌های اقتصادی به وجود می‌آورند. این شوراها، که معمولاً متشکل از نمایندگان نهادهای مختلف دولتی و گاه غیردولتی هستند و با هدف هماهنگی و تسریع در تصمیم‌گیری‌های کلان تشکیل شده‌اند، اغلب بدون سازوکارهای قانونی مشخص و شفاف تشکیل می‌شوند و اختیارات آن‌ها نیز به طور دقیق تعریف نشده است. این امر منجر به

ابهام در حدود صلاحیت‌ها، تداخل وظایف با وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای قانونی و در نهایت، تضعیف پاسخگویی می‌شود.

درواقع، دو پیامد منفی عمده از عملکرد این شوراها ناشی می‌شود: نخست، این شوراها به دلیل عدم شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری و فقدان پاسخگویی، اغلب تصمیمات موقتی و غیرکارشناسی اتخاذ می‌کنند که به بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصادی منجر می‌شود. دوم، این شوراها با تضعیف نقش دستگاه‌های اجرایی و وزارتی، اصل تفکیک قوا و حاکمیت قانون را نقض کرده و تمرکز قدرت را در نهادهای غیررسمی افزایش می‌دهند. به‌عنوان نمونه، تصمیمات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا - که با مصوبات خود، گاه قوانین مصوب مجلس را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد - در حوزه حذف ارز ترجیحی یا افزایش قیمت حامل‌های انرژی، بدون ارزیابی دقیق آثار اجتماعی و اقتصادی آن، اعتراضات مردمی گسترده‌ای را به دنبال داشت و این تصمیمات فاقد پشتوانه لازم برای تحقق عدالت اقتصادی بودند.

از آن سو، نهادهای نظارتی به اندازه کافی قدرت ندارند تا عملکرد دولت را کنترل کنند که به فساد و تصمیمات به نفع گروه‌های خاص منجر می‌شود. به‌عنوان مثال، دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور در بسیاری از موارد به دلیل محدودیت‌های قانونی، ساختاری و سیاسی نتوانسته‌اند به طور کامل و مؤثر به وظایف خود عمل کنند. برای رفع این چالش‌ها، ایجاد سازوکارهای مشارکت عمومی، شفاف‌سازی فرایندهای تصمیم‌گیری، ایجاد و تقویت نهادهای نظارتی مستقل و ترویج فرهنگ مشارکت ضروری است.

با توجه به مقولات بالا، می‌توان دریافت که سیاست‌های اقتصادی ایران تحت‌تأثیر عوامل داخلی و خارجی مختلفی مانند سوء مدیریت، ساختار نابسامان اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد که هم تعارض‌ها و هم هم‌افزایی‌هایی را با اصول اقتصادی حقوق بشر ایجاد کرده‌اند.

جدول ۱. تعارض‌ها و هم‌افزایی‌های سیاست‌های اقتصادی ایران با اصول اقتصادی حقوق بشر.

اصول اقتصادی حقوق بشر	هم‌افزایی‌ها	تعارض‌ها
حق تعیین سرنوشت اقتصادی	قانون اساسی ایران بر حق شکل‌دادن به آینده اقتصادی از طریق سیاست‌های اقتصادی مشارکتی تأکید دارد. حمایت نظری از اقتصاد مختلط که شامل بخش‌های عمومی و خصوصی است.	محدودیت در مشارکت عمومی به دلیل ساختار سیاسی متمرکز، غربالگری شورای نگهبان و دخالت نهادهای خاص.
تحقق تدریجی	بهبود شاخص‌های بهداشتی و آموزشی، نشان‌دهنده پیشرفت در برخی حوزه‌های اجتماعی است.	افزایش فقر و بیکاری نشان از پسرفت در کاهش نابرابری‌های اقتصادی دارد.
استفاده از حداکثر منابع موجود	سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی مانند بهداشت، آموزش، انرژی و حمل‌ونقل نشان‌دهنده استفاده نسبتاً مناسب از منابع است.	کنترل گسترده دولت بر منابع داخلی و خارجی اعم از طبیعی و انسانی، وجود جریان‌های درآمدی فرابودجه‌ای و خارج از نظارت عمومی، تمرکز ثروت در دست گروه‌های خاص و توزیع نادرست ثروت به واسطه معافیت‌های مالیاتی برخی نهادها.
اجتناب از واپس‌گرایی	برخی سیاست‌ها به حفظ خدمات اساسی مانند بهداشت (مدیریت بحران کرونا) و آموزش (مجازی) حتی در دوران رکود اقتصادی اشاره دارند.	افزایش فقر، کاهش کیفیت آموزش و دسترسی محدود به خدمات بهداشتی در برخی مناطق به دلیل تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی نشان‌دهنده پسرفت در تأمین حقوق اساسی است.
حداقل سطوح ضروری (حداقل تعهدات اصلی)	برنامه‌هایی مانند ساخت مسکن و حفظ دسترسی به آموزش ابتدایی به تأمین نیازهای اساسی کمک کرده‌اند.	کاهش ارزش پول ملی و یارانه‌ها، افزایش تورم و تحریم‌ها دسترسی خانوارها به نیازهای اساسی را محدود کرده است.
عدم تبعیض و برابری	بهبود نرخ باسوادی زنان و مردان و دسترسی به خدمات بهداشتی در برخی مناطق روستایی از گام‌های مثبت تلقی می‌شود.	نابرابری جنسیتی و قومی-مذهبی در دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و خدمات اجتماعی همچنان وجود دارد.

پاسخگویی، مشارکت و شفافیت	وجود نهادهای نظارتی گرچه محدود، می‌تواند به بهبود شفافیت اقتصادی کمک کند.	سطح بالای فساد و عدم شفافیت در سیاست‌های اقتصادی مانع از پاسخگویی می‌شود. دسترسی محدود به اطلاعات، مشارکت عمومی و نظارت را محدود می‌کند.
---------------------------------	---	--

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل این مقاله می‌توان اذعان داشت که رابطه بین سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها و تعهدات حقوق بشری عمیقاً درهم تنیده شده است. تحقق حقوق اقتصادی-اجتماعی بدون بستری مناسب از حقوق مدنی-سیاسی امکان‌پذیر نیست. دولت‌ها نه تنها بر مبنای الزامات قانونی مندرج در قوانین اساسی بلکه براساس تعهدات دارای مبانی فلسفی و اخلاقی در قبال ذات و کرامت انسانی موظف‌اند در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی، اصول و مقررات حقوق بشر را نیز مدنظر قرار دهند. تحقق عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری، تأمین نیازهای اساسی مردم و توزیع برابر حقوق و آزادی‌ها برای همگان، از جمله اهدافی است که دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر حقوق بشر می‌توانند به آن دست یابند. البته، تحقق این اهداف نیازمند ارادهٔ سیاسی قوی دولتمردان، مشارکت فعالانه جامعه و همکاری‌های بین‌المللی است.

در ایران، علی‌رغم تصویب قوانین مختلف در حوزهٔ اقتصادی، شکافی در پایبندی به تعهدات حقوق بشری در سیاست‌های اقتصادی وجود دارد. با این حال، نمی‌توان از تلاش‌های مثبت انجام شده در حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت و حمایت اجتماعی برای تاب‌آوری اقتصاد و تحقق این حقوق چشم‌پوشی کرد؛ اما با توجه به مواردی که در این مقاله ذکر شد، روشن است که نقدهای متعددی قابل طرح است. اگرچه در تئوری، نظام سیاسی ایران بر اساس اصول اسلامی و قانون اساسی به رعایت حقوق بشر و عدالت اجتماعی تأکید دارد؛ اما در رویه، وجود تناقض بین اصول نظری و عمل اجرایی سؤالاتی جدی را پیرامون میزان پایبندی به حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت و مکانیسم‌های مشارکتی در فرایندهای تصمیم‌گیری اقتصادی ایجاد می‌کند. این حد فاصله از اصول حقوقی ممکن است ناشی از عواملی مانند تمرکز قدرت در نهادهای خاص، سیاست‌های نادرست اقتصادی یا مصلحت‌گرایی‌های سیاسی باشد که باعث می‌شود حقوق

اقتصادی مردم تضعیف شود. لذا تعهدات حقوق بشری دولت در سیاست‌های اقتصادی به‌طور نامتناسبی به سمت منافع دولت منحرف می‌شود. در حرکت روبه‌جلو، اجرای مؤثر تعهدات حقوق بشر در سیاست‌های اقتصادی مستلزم این است که دولت نگرانی‌های حقوق بشر را اولویت‌بندی کند و به شیوه‌ای جامع و یکپارچه در برنامه‌های خود بگنجانند. همچنین، تقویت نهادهای نظارتی مستقل و شفاف‌سازی فرایندهای تصمیم‌گیری اقتصادی به‌ویژه از طریق تقویت مکانیسم‌های مشارکتی می‌تواند به بهبود انطباق سیاست‌های اقتصادی با اصول حقوق بشری کمک کند.

منابع

کتاب

۱. آسیبورن ایده، کاتارینا کراوزه، الن روساس، **حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (گزیده مقالات به ضمیمه اسناد)**، ترجمه: گروه مترجمان به سرپرستی اردشیر ارجمند، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
۲. عباسی، بیژن، **حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین**، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۵.
۳. قاری سید فاطمی، سیدمحمد، **حقوق بشر در جهان معاصر**، ج ۲، چ ۵، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶.
۴. مصلی نژاد، عباس، **اقتصاد سیاسی**، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه، ۱۴۰۰.
۵. مولائی جم، ابراهیم، **تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه**، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۲.
۶. نقیبی مفرد، حسام، **حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۹.
۷. هکی، فرشید، **حقوق اقتصادی - اجتماعی بشر در ایران**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.

مقاله

۸. ایزدخواستی، حجت، «تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد رشد درون‌زا»، *اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی)*، ش ۴۱۵، ۱۳۹۷، صص ۱۳۵-۱۶۵.

۹. دست پیمان، صائب و علیرضا دبیرنیا، «شناسایی حق تعیین سرنوشت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه قدرت موسس»، *پژوهش حقوق عمومی*، د ۲۲، ش ۷۰، ۱۴۰۰، صص ۹۶-۱۲۷.

۱۰. قاسمی، حسام الدین و عباس عرب مازار، «بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر شاخص تاب‌آوری بودجه دولت در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا»، *اقتصاد باثبات*، ش ۴۲، ۱۴۰۰، صص ۱-۲۸.

قانون

۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

Books

1. Abbasi, Bijan, *Human Rights and Fundamental Freedoms*, Tehran: Dadgostar Publications, 2016. (in Persian)
2. Bohoslavsky, J. P. *Human Rights and Economic Policy Reform*. Routledge, 2021.
3. Farshid, Haki. *Human Economic and Social Rights in Iran*, Tehran: Institute for Legal Studies and Research, Shahr-e Danesh, 2009. (in Persian)
4. Ide, Asbjørn, Katarina Krause, and Ellen Rosas. *Economic, Social, and Cultural Rights: Selected Articles with Attached Documents*, Translated by Group of Translators under the supervision of Ardeshir Arjmand. Tehran: Majd Publications, 2011. (in Persian)
5. Molaei Jam, Ebrahim. *International Obligations of States in Realizing Economic and Social Rights Based on the Economic Model of the Medium-Term Expenditure Framework*, Tehran: Majd Publications, 2023. (in Persian)
6. Mosallanejad, Abbas, *Political Economy*, Tehran: University Publications Institute, 2021. (in Persian)
7. Naghibi Mofrad, Hesam, *Desirable Governance in the Light of the Globalization of Human Rights*, Tehran: Institute for Legal Studies and Research, 2010. (in Persian)
8. Qari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad, *Human Rights in the Contemporary World*, Volume 2, 5th edition. Tehran: Negah Moaser Publications, 2017. (in Persian)
9. Schabas, W. A. "Economic, Social and Cultural Rights and Customary International Law." In *Furthering the Frontiers of International Law: Sovereignty, Human Rights, Sustainable Development*. Brill Nijhoff, 2021.
10. Uprimny, R. et al. *Bridging the Gap. The Future of Economic and Social Rights*. Cambridge University Press, 2019.

Articles

11. Acharya, Krishna. "Application of Instruments of Fiscal Policy in Nepal", *Economic Review of Nepal* 2, no. 1, 2019, pp 1-16.

12. Balakrishnan, R. & Elson, D. "Auditing Economic Policy in the Light of Obligations on Economic and Social Rights", *Essex Human Rights Review* 5, No 1, 2008.
13. Capote, M. J., Vigonte, F. G., & Abante, M. V. "The Government Economic Policy and Strategies", Available at SSRN 4454559, 2023.
14. Dast peyman, Saeb and Alireza Dabirnia, "Identifying the Right to Self-Determination in the Constitution of the Islamic Republic of Iran in Light of Constituent Power Theory", *Public Law Research*, 22, No 70, 2021, pp 96-127. (in Persian)
15. Drucker, P. F. "The Meaning and Function of Economic Policy Today", *The Review of Politics* 5, No. 2, 1943, pp 216-224.
16. Galustian, R. "The Role of Monetary Policy in the System for Ensuring the Financial Stability of the State", *Scientific Notes of Taurida National V.I. Vernadsky University. Series: Economy and Management* 73, No. 3, 2023.
17. Ghasemi, Hesamoddin, and Abbas Arabmazar, "Examining the Impact of Economic Policies on the Government Budget Resilience Index within a Dynamic Macro-Econometric Model Framework", *Economics of Stability* 2, No 4, 2021, pp 1-28. (in Persian)
18. Gvelesiani, R., and I. Gogorishvili. "The Basic Problems for the Realization of the Concept of Economic Policy", *In XII International Conference on Economics and Management, International Science Index*, vol. 8, No. 11, 2014, pp 10-11.
19. Ibe, S. "Implementing Economic, Social and Cultural Rights in Nigeria: Challenges and Opportunities", *African Human Rights Law Journal* 10, No. 1, 2010, pp 197-211.

International treaties and agreements

20. Izadkhasti, Hojjat, "Analyzing the Impact of Governance Quality and Composition of Public Expenditures on Economic Growth in Iran: An Endogenous Growth Approach", *Journal of Quantitative Economics* (Quarterly Journal of Economics Review). 2019, No 415, pp 135-165. (in Persian)
21. Marcondes Smith, Michael George. "Equality Restricted", *Health and Human Rights* 25, 2023, p 177.
22. African Charter on Human and Peoples' Rights Adopted in Nairobi, Kenya, June 27, 1981, Organization of African Unity.

23. Committee on Economic, Social and Cultural Rights. *General Comment No. 3: The Nature of States Parties' Obligations (Art. 2, Para. 1, of the Covenant)*. Refworld, 2024.
<https://www.refworld.org/legal/general/cescr/1990/en/5613>.
24. ESCR-Net. "Limburg Principles on the Implementation of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights." 1986.
<https://www.eschr-net.org/resources/limburg-principles-implementation-international-covenant-economic-social-and-cultural>.
25. International Labour Organization. *Convention No. 87: Freedom of Association and Protection of the Right to Organise Convention*. 1948.
26. International Labour Organization. *Convention No. 98: Right to Organise and Collective Bargaining Convention*. 1949.
27. United Nations. *Universal Declaration of Human Rights*. 1948.
<https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>.
28. United Nations. *International Covenant on Civil and Political Rights*. 1966.
https://www.ohchr.org/en/instruments_mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights.
29. United Nations. *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*. 1966. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights>.
30. United Nations. *Declaration on the Right to Development*. United Nations General Assembly, 1986.

Laws

31. Constitution of the Islamic Republic of Iran, adopted 1979

Electronic Resources

32. <https://amar.org.ir>
33. <https://data.worldbank.org>
34. <https://hdr.undp.org>
35. <https://minorityrights.org>
36. <https://opec.org>
37. <https://pip.worldbank.org>
38. <https://transparency.org>

Government Economic Policies in Light of Socio-Economic Rights Commitments: A Reflection on the Economic Policies of the Islamic Republic of Iran

Ebrahim Abdipour Fard*

Alireza Dabirnia**

Ome Leila Faghih Abdollahi***

Abstract

In any political system, the implementation of effective economic policies is essential for improving government performance. On the other hand, the government's economic policy choices impact citizens' enjoyment of their rights and have effects on human rights. However, these policies are often formulated and implemented without considering their impact on human rights. This research, using a descriptive-analytical approach and library-based data collection, examines government economic policies within the framework of the economic principles of human rights. The main research question is: What is the relationship between government economic policies and economic and social rights commitments? The research results show that the relationship between government economic policies and human rights obligations is complex and multifaceted. On the one hand, government economic policies have the potential to impact the realization of human rights. On the other hand, human rights norms can serve as a theoretical and ethical framework shaping the principles governing economic policymaking. The ultimate goal of this research is to examine this relationship and propose the integration of human rights considerations into the core of economic policies, so that economic development aligns with ethical principles, the requirements of social justice, and respect for fundamental human rights.

Keywords:

Economic Policies, Government, International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Human rights

* Professor of Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
e.abdipour@qom.ac.ir

** Associate Professor, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
dr.dabirnia@qom.ac.ir

*** Ph.D. Candidate, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding author).
omleila.faghih@stu.qom.ac.ir